

برخی مستندات قرآنی نهج البلاغه

قربانعلی درّی نجف آبادی

مقدمه

اهل بیت علیهم السلام را سخون در علم^۱ و مؤیدون من عند الله^۲ و ملهم به حقایق و معارف قرآن کریم و سیراب از سرچشمه کوثر و آگاه به ملک و ملکوت هستند. رفتار، کردار و گفتارشان ترجمان وحی الهی و دریای خروشان معارف ربوبی است، حریم حرم دل ایشان، حرم امن و عرش عظمت و لطف و عنایت و مقام علم خداست. هماهنگی اهل بیت با قرآن کریم و همراهی نقل کبیر و اکبر^۳ در دو عالم، مبین مقام عصمت و ولایت و لزوم اطاعت و پیروی از ایشان است. از این جهت آئینه تمام نمای وحی و شاخص و میزان و قطب نمای حرکت امت اسلامند. امام علی علیه السلام در خصوص اهل بیت می فرماید:



نحن الشعار والاصحاب والخزنة والابواب ، لا توتى البيوت إلا من أبوابها فمن آتاهما من غير أبوابها سمى سارقا ، فيهم كرائم القرآن وهم كنوز الرحمن . ان نطقوا صدقوا وان صمتوا لم يسقبوا .^٤

ما خواص واصحاب و گنجینه و ابواب رسالتیم و به خانه ها جز از درها نتوان وارد شد و هرآنکس جز از درها وارد گردد دزد نامیده می شود . آیه های بلند قرآن کریم درباره آنها نازل شده است و همانها گنجینه های خدای رحمن اند . اگر بگویند راست می گویند و اگر سکوت کنند کسی بر آنها سبقت نگیرد . «فان لبدوا فالبدوا وان استصرخوكم فانصروهم توجروا ولا تسبقوهم فتصرعكم البلية» .

آن حضرت در جای دیگر فرموده است :

انما الأئمة قوام الله على خلقه وعرفاؤه على عباده لا يدخل الجنة إلا من عرفهم وعرفوه ولا يدخل النار إلا من انكرهم وانكروه .^٥

وهمانا امامان تدبیرکنندگان امر خداوند بر مردمان و کارگزاران بر بندگان اویند . کسی به بهشت نرود جز اینکه او را شناخته باشند و او نیز آنان را بشناسد و به آتش درنیاید جز آنکس که منکر آنان بوده و ایشان نیز او را نپذیرفته و محرم ندانند .

و نیز از آن حضرت در مقام و منزلت اهل بیت علیه السلام نقل شد است :

فإنهم عيش العلم وموت الجهل يخبركم حكمهم عن علمهم وصمتهم عن منطقم لا يخالفون الحق ولا يختلفون فيه وهم دعائم الاسلام ولا تج الاعتصام ، بهم عاد الحق فى نصابه وانزاح الباطل عن مقامه وانقطع لسانه عن منبته ، عقلوا الدين عقل وعاية ورعاية ، لا عقل سماع ورواية ، فان رواة العلم كثير ورعاية قليل .^٦

آنان علم و دانش را زنده کننده اند و جهل و نادانی را میراننده . حلم آنها از علم آنها و ظاهرشان از باطنشان و سکوتشان از استحکام و استواری منطقی و بیانشان به شما خبر می دهد . با حق مخالفت نمی کنند و در حق اختلاف نمی ورزند ، ایشان ستون های اسلام و پناهگاه مردمانند . به وسیله اهل بیت حق در جایگاه خود قرار گرفت و باطل از میان رفت و زبانش از بن بریده شد . دین را چنانکه بایست شناخته و تعقل نموده و به طور عمیق و آگاهانه درک کرده و به کار بستند . نه شناختی که تنها بشنوند و روایت کنند و به دیگران بگویند ، که راویان دانش ، بسیار و بی شمارند و پاسداران آن بشمار اندک .

اهل بیت ، عارف به قرآن و فقیه در قرآن و اولوا الامر و مصداق اذن و آیه تطهیر و نفس نبی ﷺ و من عنده علم الكتاب هستند . همان گونه که قرآن کریم «تبیانا لكل شیء» (نحل ، ١٦ / ٨٩) است ، ائمة علیه السلام نیز زبان و بیان گویای قرآنند .^٧

سخنان متواتر و مکرر پیغمبر اکرم ﷺ در شأن و مقام ائمه و امام علی بن ابیطالب علیه السلام که از



طرق فریقین نقل شده است، ترجمان همین واقعیت است.

علی علیه السلام با نور وحی و نبوت می بیند و بوی رسالت را استشمام می کند که فرمود:

أرى نور الوحي والرسالة واشم ريح النبوة.^۸

او کتاب جامع و امام مبین است، صالح بن سهل می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم فرمود: منظور از آیه شریفه «وکل شیء أحصیناه فی امام مبین» (یس، ۱۲/۳۶) امیر المؤمنین علی بن ابیطالب است. وعلی علیه السلام به اباذر فرمود: «انا ذلك الامام المبین». علی علیه السلام قرآن ناطق و بیان عینی و عملی قرآن؛ و زبان او بیان کننده حقایق وحی و کلمه تامه الهیه و آگاه به اسرار کلمات الله و وارث علم نبوت است. پیامبر صلی الله علیه و آله درباره او فرمود:

انک تسمع ما اسمع وترى ما اری إلا انک لست بنبی ولکنک وزیر وانک لعلی خیر^۹

یقیناً تو می شنوی آنچه من می شنوم، و می بینی آنچه من می بینم، با این تفاوت که تو نبی نیستی بلکه وزیر و جانشین من هستی و همواره در مسیر حق باقی خواهی ماند.

وحی الهی با تمام وجود علی علیه السلام آمیخته شده، همان گونه که با تمام وجود رسول الله آمیخته شده است:

والایمان مخالط لحکم ودمک کماخالط لحمی ودمی.^{۱۰}

باری، امام علی علیه السلام از آغاز تحت تربیت و هدایت مستقیم رسول اکرم صلی الله علیه و آله قرار داشت. سراسر حیات ظاهری او (چه در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و چه در غیبت ایشان) نور و تبلور ایمان و اسلام ناب بود. با نگاه به خطبه شریفه قاصعه، شمه ای از دریای بیکران معارف وحی که توسط آن حضرت بیان شده است آشکار می گردد. همراهی علی علیه السلام با رسول الله صلی الله علیه و آله در طول ۳۳ سال به خوبی نشان می دهد که آن حضرت بی وقفه شاهد گوارای وحی را از سرچشمه زلال آن با تمام وجود درک کرده و هرگز لحظه ای از آن غافل نبوده، که خود فرموده است:

ولقد کنت اتبعه اتباع الفصیل أثر أمه یرفع لی فی کل یوم علما من اخلاقه ویأمرنی بالافتداء

به ۱۱.

نهج البلاغه که بیان گر گوشه ای از عالم معارف علی علیه السلام است نقطه متأخر قرآن و جای جای آن بیان گر رشحات متنوع وحی است. نهج البلاغه در منظر اسلام شناسان، قرآن ناطق، اسلوب گفتاری آن مشحون از صنایع بدیع و تلمیح از روش های ناب فصاحت و بلاغت است. تمام زوایای وحی در لابلای حروف و کلمات و فرازهای کوتاه و بلند کلمات علی علیه السلام، به عنوان ترکیب مزجی که از حد اعلاى اعجاز و نیز از زیبایی ظاهر و باطن و جذابیت و انسجام خیر می دهد. امام علی علیه السلام با محور قرار دادن سبک و سیاق مجموعه آیات قرآنی، ترکیبی نواز مبانی، معارف، شیوه، سبک و محتوی را، با بیانی رسا که در هر مقطع زمانی جذابیت و حلاوت را در منظر و کام خواننده و مخاطب به جای می گذارد ترسیم کرده است. البته این حقیقت را



امام علیه السلام از مختصات اهل بیت و از ملازمت عصمت و ولایت اوصیای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اعلام فرموده:

انما لأمرء الکلام وفینا تشبیت عروقه، وعلینا تهدلت غصونه. ۱۲

ما اهل بیت، امیران سخن هستیم و ریشه های آن در وجود ما ریشه دوانیده و از اعماق جان ما نشأت گرفته و شاخه های خود را بر سر ما افکنده است.

آنچه اینک وظیفه ماست، درک صحیح معارف و تعالیم ائمه معصومین و تلاش در راه تعلیم و گسترش آن در جامعه است، بی شک اشاعه تعالیم اهل بیت موجب تبلور عینی و عملی وحی و قرآن کریم در گسترده جوامع اسلامی و انسانی خواهد بود. و در این میان بهره گیری از نهج البلاغه در تمامی عرصه های زندگی فردی و اجتماعی، در واقع بهره گیری از فرهنگ عملی قرآن کریم است. مگر نه این است که تمام وجود علی علیه السلام از شهد قرآن کریم سیراب شده و مصداق «وسقاهم ربهم شراباً طهوراً» (انسان، ۷۹/۲۱) است. از این رو بهره وری از شیوه های تربیتی و تعالیم گوناگون نهج البلاغه، بهره برداری از قرآن کریم است، زیرا امام علی علیه السلام آنچه را از پیامبر صلی الله علیه و آله یافته در قالب الفاظ ریخته و لباس زیبای الفاظ و کلمات را بر اندام عمیق و رسای مبانی پوشانیده و لطایف و حقایق معارف و معانی را با برهان قاطع و جدال احسن بر تشنه گان اسلام ناب بیان داشته، به همین جهت نهج البلاغه «أخ القرآن» لقب گرفته و بلندای کلمات امام علی علیه السلام تا آنجا پیش رفته که عنوان «کلامه دون کلام الخالق و فوق کلام المخلوق» یافته است. اکنون برای اثبات آنچه اشاره رفت، از باب نمونه، به یکی از خطبه های شریف نهج البلاغه از سه زاویه نگاه می کنیم:

۱. استناد به آیات قرآن؛

۲. اقتباس از قرآن و استناد به کلمات قرآن؛

۳. تأثیر پذیری از روح قرآن و بیان موضوعات قرآنی.

باید اعتراف کرد آنچه در این مقال آمده استقصای کامل نبوده، اما ارائه راهی است، بدان امید که آشنایان و دردمندان و ارادتمندان به قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام در جهت تکمیل آن و بررسی کامل نهج البلاغه و دیگر احادیث نبوی و ولوی علیهم السلام برآیند. البته یکی از دستاوردهای این شیوه، تطبیق قرآن و نهج البلاغه و عرضه نهج البلاغه بر کتاب الله است، چه اینکه آن حضرت فرموده است:

وعلیکم بکتاب الله فانه جبل المتین والنور المبین والشفاء النافع والری النافع والعصمة للمتمسک والنجاه للمتعلق لا یعوج فیکام ولا یزیغ فیسعتب ولا تخلقه کثرة الرد وولوج السمع، من قال به صدق ومن عمل به سبق. ۱۳

بر شما باد به کتاب خدا که رشته ای است محکم و استوار و نوری است آشکار و درمانی است

سوددهنده و شفابخش و فرونشاندن تشنگی است و نگهدار کسی است که بدان تمسک جوید و نجات دهنده پیرو خود است، کجی و اعوجاج به آن راه نمی‌یابد تا نیاز به بازسازی داشته باشد و راه باطل در پیش نمی‌گیرد تا آن را برگردانند. گفت و شنود روزگار نمی‌تواند در او اثر بگذارد. آنکس که از قرآن سخن گفت سخنش راست است و هر کس بدان عمل کرد از دیگران سبقت گیرد.

علی علیه السلام و قرآن از نظر خطبه ۱۸۲ نهج البلاغه

قبل از پرداختن به اصل کلام توجه به این نکته لازم است، راوی کلام علی علیه السلام شخصی به نام «نوف بکالی» است که به ترسیم شرایط و حالات امام امیرالمؤمنین علیه السلام در هنگام ایراد سخن پرداخته که خود درس آموزنده و الهام بخش و نشان دهنده سیره آن حضرت در زهد و عبادت و ساده زیستی و الگو بودن در ابعاد عبادی و جمیع شؤون زندگی است. نوف می‌گوید: امام علیه السلام روی سنگی در کوفه ایستاد که آن را جعده بن هییره المخزومی، خواهر زاده آن بزرگوار به جای کرسی خطابه برای امام علیه السلام نصب کرد، حضرت در حالی که جامه پشمین برتن داشت و غلاف شمشیر امام علیه السلام از لیف خرما حمایل بود، و نعلین که از لیف خرما ساخته شده بود در پا، و نشانه سجده همچون سختی پای شتر برپیشانی و در حالی که چند روز از عمر شریفش باقی نمانده بود فرمود:

الحمد لله الذي اليه مصائر الخلق وعواقب الامر^{۱۲}

در این فراز از کلام امام علیه السلام با کلمه الحمد شروع شده است که در قرآن در قالب آیات متعدد (۲۷ مورد) آمده است. مانند:

الحمد لله رب العالمين . (حمد، ۲/۱) الحمد لله الذي خلق السموات والأرض (انعام، ۶/۱) ان الحمد لله رب العالمين . (يونس، ۱۰/۱۰) الحمد لله الذي وهب لي على الكبر اسماعيل . (ابراهيم، ۱۴/۳۹) وقل الحمد لله الذي لم يتخذ ولداً.... (اسراء، ۱۷/۱۱۱) له الحمد وهو على كل شيء قدير . (تغابن، ۱/۶۴) و....

در همه موارد، کلمه «الحمد» مخصوص ستایش ذات مقدس پروردگار متعال به کار رفته است.

اليه مصائر الخلق

در قرآن این معنی با الفاظ مختلف آمده است. مانند:

ربنا واليك المصير . (بقره، ۲/۲۸۵) ربنا اخرنا الى اجل قريب . (ابراهيم، ۱۴/۴۴) قالوا لا ضير لنا الى ربنا منقلبون . (شعرا، ۲۶/۵۰) وانا الى ربنا لمنقلبون . (زخرف، ۴۳/۱۴) ربنا عليك توكلنا واليك انبنا واليك المصير . (ممتحنه، ۶۰/۴) والي الله ترجع الامور . (بقره، ۲/۲۱۰) آك عمران، ۳/۱۰۹ انفال، ۸/۴۴؛ حج، ۲۲/۷۶؛ فاطر، ۳۵/۴ وحديد، ۵۷/۵) ولله عاقبة الامور . (حج، ۲۲/۴۱)



والی اللہ عاقبة الامور . (لقمان، ۲۲/۳۱) الی اللہ تصیر الامور . (شوری، ۵۳/۴۲) وانهم الیه راجعون . (بقره، ۴۶/۲) انا لله وانا الیه راجعون . (بقره/۱۵۶) کل الینا راجعون . (انبیاء، ۹۳/۲۱) انهم الی ربهم راجعون . (مؤمنون، ۶۰/۲۳) یا ایها الإنسان انک کادح الی ربک کدحا فملاقیه . (انشقاق، ۶/۸۴)

نحمدلا علی عظیم احسانه ونیر برهانه ونوامی فضله وامتتانه

ذکر کلمه «حمد» با مفهوم گسترده آن از انعام و احسان و تفضل خداوند متعال که غیر قابل احصا است، بیانگر عظمت جلال و جمال او است. در قرآن متعلق حمد به صور گوناگون آمده است مانند: حمد بر هدایت الهی «الحمد لله الذی هدانا لهذا...» (اعراف، ۴۳/۷) و یا حمد بر عظیم احسان و نیر برهان ذات مقدس باری تعالی است مانند «فلله الحمد رب السماوات والأرض...» (جاثیه، ۳۶/۴۵) «الحمد لله الذی انزل علی عبده الكتاب ولم يجعل له عوجا...» (کهف، ۱/۱۸)، که متعلق حمد قرآن کریم و رسالت خاتم الانبیاء ﷺ می باشد.

واژه «نیر برهان» اشاره به براهین نورانی و معارف الهی در ابعاد توحید دارد. ضمناً اضافه در نیر برهان، اضافه توضیحی و توصیفی است یعنی هر جا برهان باشد نور و روشنائی نیز هست و نیز هر جا روشنائی و نورانیت باشد برهان هست. البته برهان نیر برهانی است که مقدمات آن قطعی و تصور مقدمات موجب تصدیق نسبت به نتایج خواهد شد. همچنین نسبت براهین الهی با براهین منطقی بسیار وسیع تر و متقن تر خواهد بود. بسیاری از آن براهین، حضوری و شهودی و قابل اطمینان قلبی و مبتنی بر فطرت پاک انسانها و متکون به مقدمات یقینی می باشد.

ترکیب «نوامی فضله و امتتانه» نشان دهنده ابعاد گسترده فیوضات و تفضلات ذات مقدس حضرت حق و الطاف بی کران او بر بندگان است.

ونستعین به استعانة راج لفضله...

در این جملات از استعانت سخن به میان آمده. نظیر آنچه در سوره مبارکه حمد آمده (ایاک نستعین) با این تفاوت که در اینجا متعلق استعانت ذکر شده و امام ﷺ با خضوع بندگی پروردگار متعال ابعاد استعانت را بیان فرموده است.

ملاحظه می فرمایید با بررسی و دقت در این فراز از کلام امیر المؤمنین ﷺ انسان به یاد نظم و نسق و ترتیب و تنظیم سوره مبارکه حمد می افتد، امام ﷺ همان مفاهیم را در اینجا با زبان بندگی بیان فرموده است.

البته واژه های احسان، برهان، شکر، ثواب، عظیم، فضل، قضا، مقرب، حسن و... که در این بخش از سخنان حضرت آمده است هر کدام به نوبه خود ریشه قرآنی دارد و سرچشمه سخن امام ﷺ قرآن کریم است. در عین اینکه این مفاهیم را در یک تعبیر از یک سنخ و یا منبعث از

آیات مربوط دانست .

راج لفضله

امید به فضل پروردگار متعال از تعالیم قرآن کریم است . در قرآن مسأله رجا و یقین و انابه از آثار آن و نتایج ایمان به حساب آمده ، انسان مؤمن در مسیر بندگی خود همواره امید به رحمت پروردگار متعال دارد و این خود زمینه را برای تربیت صحیح دینی و دور از لغزش و انحراف فراهم می آورد . در قرآن ۲۸ بار کلمه «فضله» آمده است . مانند :

ولتبتغوا من فضله ولعلکم تشکرون . (جاثیه ، ۱۲/۴۵ ، فاطر ، ۱۲/۳۵ ؛ روم ، ۴۶/۳۰ و قصص ، ۱۳/۲۸) ویزیدهم من فضله انه غفور شکور . (فاطر / ۳۰) ان یکنوا فقراء یغنهم الله من فضله واللّه واسع علیم . (نور ، ۳۲/۲۴) وما نقموا إلا ان اغناهم الله ورسوله من فضله (توبه ، ۷۴/۹) سیوتینا الله من فضله . (توبه/۵۹) فسوف یغنیکم الله من فضله . (توبه / ۲۸) ام یحسدون الناس علی ما آتاهم الله من فضله . (نساء ، ۵۴/۴) ویکتُمون ما آتاهم الله من فضله . (نساء/۳۷) واستلوا الله من فضله ان الله کان بکل شیء علیما . (نساء/۳۲) فرحین بما آتاهم الله من فضله . (آل عمران ، ۱۷۰/۳)

لم یولد سبحانه فیكون فی العزّ مشارکاً ولم یلد...

امام علیه السلام در این فراز کلام خود، به دو نکته از قرآن کریم اشاره فرموده :

الف : لم یولد در ابتدای جمله و لم یلد در آخر آن مبین اقتباس از سوره مبارکه توحید است که به ذکر علت سلبی آن نیز پرداخته است .

ب : جمله فوق به آیات مبین عزّت نیز اشاره دارد ، با این توصیف که عزت واقعی و مطلق از آن حضرت حق جلّ و علا است که فرمود :

من کان یرید العزّة فللّهُ العزّة جمیعاً الیه یصعد الکلّم الطیب (فاطر ، ۱۰/۳۵) فان العزّة لله جمیعاً . (نساء ، ۱۳۹/۴) سبحان ربک رب العزّة عما یصفون . (صافات ، ۱۸۰/۳۷) لله العزّة ولرسوله وللمؤمنین (مناقون ، ۸/۶۳)

بنابراین موجودات دیگر از جمله انسان باید عزت خود را از عالم ربوبی و تفضلات او جست و جو کند ، زیرا عزت حضرت حق ذاتی است و عزت دیگران مرهون عنایات خاصه او است که در سایه عمل صالح و اطاعت از فرامین خداوند تعالی نصیب می شود .

بل ظهر للعقول بما ارانا من علامت التدبیر المتقن والقضاء المبرم...

این فراز از سخنان علی علیه السلام بر توحید و هماهنگی در عرصه ملک و ملکوت و وحدانیت در خلقت هستی و تدبیر متقن و قضای مبرم الهی بر جهان آفرینش اشاره دارد که در قرآن کریم آمده است :

وتری الجبال تحسبها جامدة وهی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما



تفعلون . (نمل، ۲۷/۸۸) سربهم آیاتنا فی الافاق فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق... (فصلت، ۵۳/۴۱)

امیر المؤمنین علیه السلام تدبیر حکیمانه پروردگار متعال و تدبیر متقن و اتقان صنع او را که یکی از براهین فلاسفه و حکما و متکلمان در مقوله خداشناسی است با الهام از قرآن کریم تبیین فرموده است. در سایه اتقان صنع نظام و قضای حتمی و لا یختلف و لا یتخلف آفریدگار و موجودات و نظم حاکم بردستگاه خلقت، جلوه‌های توحید یکی پس از دیگری تجلی می‌یابد، که فرموده است:

و کذلک نری ابراهیم ملکوت السماوات والأرض ولیکون من الموقنین . (انعام، ۶/۷۵) فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء . (یس، ۳۶/۸۳)

منظور از قضای مبرم اشاره به آیاتی است که در آنها از قضای الهی سخن به میان آمده و از قضای ابرام یافته و غیر قابل تغییر که برنظام آفرینش حاکم است و در قرآن کریم آمده است: فقضاهن سبع سماوات فی یومین و اوحی فی کل سماء امرها وزینا السماء الدنیا بمصابیح و حفظا ذلک تقدیر العزیز العلیم . (فصلت، ۴۱/۱۲)

بی شک این بیان حضرت در مقام قضای تکوینی نظام هستی است که به علم فعلی الهی و تقدیر حکیمانه ذات اقدس احدیث برمی‌گردد.

امیر المؤمنین علیه السلام در این جمله از عقل سخن به میان آورده، همان گونه که در خطبه آغازین نهج البلاغه هدف از بعثت انبیا را بروز و ظهور گنجینه‌های عقل و اندیشه انسان بیان فرموده است. دعوت انسانها در خصوص به‌کارگیری عقل و تعقل و تفکر و درایت و احیای عقل و مبارزه با جهل و خرافات در سرلوحه برنامه‌های انبیا علیهم السلام بوده است.

فمن شواهد خلقه خلق السماوات موطدات بلا عمد، قائمات بلا سند

این قسمت از کلام امام علی علیه السلام اشاره است به آیات:

اللّه الذی رفع السماوات بغير عمد ترونها... (رعد، ۱۳/۲)

خلق السماوات بغير عمد ترونها والقی فی الأرض رواسی ان تمید بکم... (لقمان، ۳۱/۱۰)

دعاهن فاجبن طائعات مذعنات غیر متلککات ولا مبطنات...

اشاره است به آیه شریفه:

ثم استوی الی السماء وهی دخان فقال لها وللأرض ائتیا طوعاً أو کرهاً قالتا أیتنا طائعتین .

(فصلت، ۴۱/۱۱)

ولا مصعد للكلم الطیب والعمل الصالح من خلقه

اشاره دارد به آیات:

الیه یصعد الکلم الطیب والعمل الصالح یرفعه... (فاطر، ۳۵/۱۰)

الم تر كيف ضرب الله مثلاً كلمة طيبة كشجرة طيبة أصلها ثابت وفرعها في السماء.... (ابراهيم، ۲۴/۱۴)

بیان کلمه طیبیه، ناظر بر جاودانگی و برکات آن در نظام خلقت است در برابر کلمه خبیثه که هیچ جایگاه و ثباتی در نظام هستی ندارد. «والعمل الصالح» نیز اشاره است به آیات زیادی که در قرآن کریم آمده است.

جعل نجومها اعلماً يستدل بها الحيران في مختلف فجاج الاقطار

اشاره به آیات:

وعلامات وبالنجم هم يهتدون. (نحل، ۱۶/۱۶)

البته واژه‌های مختلف فجاج و اقطار، از جمله واژه‌هایی است که در قرآن ذکر شده است مانند:

وجعلنا في الأرض رواسي ان تميد بهم وجعلنا فيها فجاجاً سبلاً لعلهم يهتدون. (انبیاء، ۲۱/۳۱) لتسلکوا منها سبلاً فجاجاً. (نوح، ۲۰/۷۱) یا معشر الجن والإنس ان استطعتم ان تنفذوا من أقطار السماوات والأرض.... (الرحمن، ۳۳/۵۵)

ترتیب و انسجام مباحث و گسترده دامنۀ معارف، تبیین مستدل و برهانی و قابل فهم آیات الهی در کلام علی علیه السلام، قلب هرانسان علاقمند و زنده دل را متأثر و مجذوب خود می‌نماید. و در هر مرحله درس معرفت می‌آموزد.

فسبحان من لا يخفى عليه سواد غسق داج ولا ليل ساج في بقاع الأرضين المتطاطئت ولا في يفاع السفع المتجاورات وما يتجدجل به الرعد في أفق السماء وما تلاشت عنه بروق الغمام وما تسقط من ورقة تزيلها عن مسقطها عواصف الانواء وانهاطال السماء

اشاره است به آیات:

ان الله لا يخفى عليه شيء في الأرض ولا في السماء. (آل عمران، ۵/۳) ربنا انك تعلم ما نخفى وما نعلن وما يخفى على الله من شيء في الأرض ولا في السماء. (ابراهيم، ۳۸/۱۴) وان تجهر بالقول فانه يعلم السر وأخفى. (طه، ۷/۲۰) سواء منكم من أسر القول ومن جهر به ومن هو مستخف بالليل وسارب بالنهار. (رعد، ۱۰/۱۳) يوم هم يارزون لا يخفى على الله منهم شيء لمن الملك اليوم لله الواحد القهار. (غافر، ۱۶/۴۰)

انه يعلم الجهر وما يخفى. (اعلى، ۷/۸۷) يا بني انها ان تك مثقال حبة من خردل فتكن في صخرة أو في السماوات أو في الأرض يأت بها الله إن الله لطيف خبير. (لقمان، ۱۶/۳۱) يومئذ تعرضون لا تخفى منكم خافية. (الحاقة، ۱۸/۶۹) الحمد لله الذي خلق السماوات والأرض وجعل الظلمات والنور ثم الذين كفروا بربهم يعدلون. (انعام، ۱/۶) ويسبح الرعد بحمد والملائكة من



خيفته ويرسل الصواعق فيصيب بها من يشاء.... (رعد، ۱۳/۱۳) وعنده مفاتيح الغيب لا يعلمها إلا هو ويعلم ما في البر والبحر وما تسقط من ورقة إلا يعلمها ولا حبة في ظلمات الأرض.... (انعام، ۵۹/۶)

همان گونه که در بیانات امام علیه السلام ملاحظه می شود، سخن از علم الهی واحاطه علمی او بر مجموعه هستی است.

ويعلم مسقط القطرة ومقرتها ومسحب الذرة ومجرها وما يكفى البعوضة من قوتها وما تحمل الانثى في بطنها

این فقره از کلام امام علیه السلام ناظر به آیات ذیل است:

ولا يعلمون أن الله يعلم ما يسرون وما يعلنون . (بقره، ۲/۷۷) واعلموا ان الله يعلم ما فى انفسكم . (بقره/۲۳۵) الم يعلموا ان الله يعلم سرهم ونجواهم وان الله علام الغيوب . (توبه، ۹/۷۸) والله يعلم ما تحمل كل انثى وما تغيض الارحام وما تزداد وكل شىء عنده بمقدار . (رعد، ۱۳/۸) ان الله عنده علم الساعة وينزل الغيث ويعلم ما فى الارحام وما تدرى نفس ماذا تكسب غدا . (لقمان، ۳۱/۳۴) يعلم ما يلج فى الأرض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها . (سبا، ۳۴/۲) . يعلم ما يلج فى الارض و ما يخرج منها . (حديد، ۵۷/۴)

امیرالمؤمنین علیه السلام در خصوص مراتب علم خداوند و تسلط عالمانه اوبه تمام عالم از دریچه های گوناگون سخن گفته است . برای خداوند تمام انواع علوم ذاتی ، حضوری ، اجمالی ، تفصیلی ، ونحوه تعلق آنها به ممکنات فرق نمی کند . به طوری که ملاحظه می کنید مبدا سخنان امام علیه السلام وحی الهی است که به فرازهایی از آنها از کتاب خدا اشاره کردیم .

الحمد لله الكائن قبل ان يكون كرسى أو عرش أو سماء أو أرض أو جان
أو انس لا يدرك بوهم ولا يقدر بنهم ولا يشغله سائل ولا ينقصه نائل ولا
ينظر بعين ولا يحد بأين ولا يوصف بالازواج ولا يخلق بعلاج ولا يدرك
بالحواس ولا يقاس بالناس

این بخش از کلام امام علیه السلام اشاره است به آیات:

لا تدركه الابصار وهو يدرك الأبصار وهو اللطيف الخبير . (انعام، ۶/۱۰۳) فاطر السماوات والأرض جعل لكم من أنفسكم أزواجاً ومن الأنعام أزواجاً يدرككم فيه ليس كمثل شىء وهو السميع البصير . (شورى، ۴۲/۱۱) الذى له ملك السماوات والأرض ولم يتخذ ولداً ولم يكن له شريك فى الملك وخلق كل شىء فقدره تقديراً . (فرقان، ۲۵/۲) وقل الحمد لله الذى لم يتخذ ولداً ولم يكن له شريك فى الملك ولم يكن له ولى من الذل وكبره تكبيراً . (اسراء، ۱۷/۱۱۱)

الذی کلم موسی تکلیماً وأراه من آیاته عظیماً بلا جوارح ولا أدوات ولا نطق ولا لهوات.

اشاره دارد به آیات :

وکلم الله موسی تکلیماً . (نساء، ۱۶۴/۴) وأوحینا إلى موسی أن ألق عصاک فاذا هی تلقف ما
یأفکون . (اعراف، ۱۱۷/۷) وأوحینا إلى موسی وأخیه... (یونس، ۸۷/۱۰) ولقد أوحینا إلى موسی
أن أسر بعبادی فاضرب لهم طریقاً فی البحر یسراً لاتخاف درکاً ولا تخشاً . (طه، ۷۷/۲۰) وأوحینا
إلی موسی أن أسر بعبادی انکم متبعون (شعراء/ ۵۲) فأوحینا إلى موسی أن اضرب بعصاک البحر .
(شعراء/ ۶۳) یا موسی انه انا الله العزیز الحکیم . (نمل، ۹/۲۷) یا موسی لا تخف انی لا یخاف لدی
المرسلون . (نمل/ ۱۰) نودی من شاطیء الوادی الأیمن فی البقعة المبارکة من الشجرة ان یا موسی
انی أنا الله رب العالمین . (قصص، ۳۰/۲۸) وما تلک بیمنک یا موسی . (طه، ۱۷/۲۰) لنریک من
آیاتنا الکبری . (طه/ ۲۳) اذهب الی فرعون انه طفی . (طه/ ۲۴) ونازعات، ۱۷/۷۹) اذهب انت وأخوک
بآیاتی . (طه/ ۴۲) وان ألق عصاک فلما رآها تهتز كأنها جانّ ولی مدبراً ولم یعقب یا موسی أقبل ولا
تخف انک من الآمنین . (قصص، ۳۱/۲۸) اسلک یدک فی جیبک تخرج بیضاء من غیر سوء واضمم
إلیک جناحک من الرهب . (قصص/ ۳۲)

بلا جوارح ولا أدوات ولا نطق ولا لهوات

اشاره است به آیات :

لیس کمثله شیء وهو السمع البصیر . (شوری، ۱۱/۴۲) إذا قضی أمراً فإنما یقول له کن فیکون .
(بقره، ۱۱۷/۲) آل عمران، ۴۷/۳) ومريم، ۳۵/۱۹) ان مثل عیسی عند الله کمثل آدم خلقه من تراب ثم
قال له کن فیکون . (آل عمران/ ۵۹) انما قولنا لشیء إذا أردناه أن نقول له کن فیکون . (نمل، ۴۰/۲۷)
وانما امره إذا أراد شیئاً أن یقول له کن فیکون . (یس، ۸۲/۳۶)

ذات مقدس حضرت حق منزّه از صفات ممکنات و مخلوقات و شباهت به موجودات است .
نه جسم است و نه جسمانی، ابزار و ادوات در فعل او راه ندارد . بلکه اراده او ایجاد است،
همان طور که قول او ایجاد و افاضه است . خداوند معطی الوجود است .

بل ان گنت صادقاً ایها المتکلف لوصف ربک فصف جبرئیل ومیکائیل وجنود
الملائکة المقربین فی حجرات القدس مرجحین متولّیة عقولهم ان یحدّوا
أحسن الخالقین فانما یدرک بالصفات ذو الهیئات والأدوات ومن ینقضی إذا بلغ
أمد حدّه بالفناء فلا إله إلا هو أضواء بنوره کل ظلام وأظلم بظلمته کل نور

فرازهای فوق به آیات ذیل اشاره دارد :

ثم انزل الله سكينته على رسوله وعلى المؤمنين وانزل جنوداً لم تروها.... (توبه، ۲۶/۹) وأينده بجنود لم تروها.... (توبه، ۴۰/۴) إذ جاءكم جنود فارسنا عليهم ريحاً وجنوداً لم تروها.... (احزاب، ۹/۳۳) ولله جنود السماوات والأرض.... (فتح، ۴/۴۸ و ۷) وما يعلم جنود ربك إلا هو وما هي إلا ذكري للبشر. (مدثر، ۳۱/۷۴) لن يستنكف المسيح أن يكون عبداً لله ولا الملائكة المقربون ومن يستنكف عن عبادته ويستكبر.... (نساء، ۱۷۲/۳) وجعل الظلمات والنور.... (انعام، ۱/۶) لا إله إلا هو يحيى ويميت ربكم ورب آبائكم الأولين.... (دخان، ۸/۴۴) كل نفس ذائقة الموت... (آل عمران، ۱۸۵/۳، انبياء، ۳۵/۲۱ وعنكبوت، ۵۷/۲۹) فتبارك الله أحسن الخالقين.... (مؤمنون، ۱۴/۲۳) لا يحيطون بشيء من علمه.... (بقره، ۲/۲۵۵) ولا يحيطون به علماً.... (طه، ۱۱۰/۲۰) ألا أنه بكل شيء محيط. (فصلت، ۵۴/۴۱) واللّه من ورائهم محيط. (بروج، ۲۰/۸۵) كل من عليها فان. ويقي وجه ربك ذو الجلال والإكرام. (الرحمن، ۲۶/۵۵، ۲۷)

در این فصل از کلام، امام علیه السلام بحث عمیقی در رابطه با عدم توانایی بشر برای شناسایی و معرفت کامل ذات مقدس باری تعالی بیان می فرماید، که راه معرفت و حدود آن را برای انسان های بینا و قلب های روشن در بردارد. و این همان دو حد بسیار ظریف است که در کلمات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بیان آمده است: نفی «تعطیل» و نفی «تشبیه». امام علیه السلام حدود منطقه ممنوع و مجاز را تبیین فرموده است. از یک سو شناخت ذات و احاطه به کنه ذات پروردگار برای ممکنات و موجودات ناممکن است.

به کنه ذاتش خرد برد پی اگر رسد خس به قعر دریا

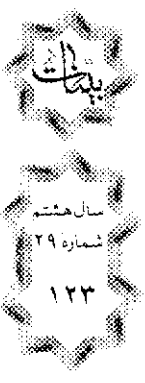
و از سوی دیگر آنچه مجاز است مشخص فرموده است و تفصیل این بیان در خطبه شریفه اشباح آمده است آنجا که فرموده است:

فانظر ايها السائل فما ذلك القرآن عليه من صفة فاتم به واتضىء بنور هدايته وما كلفك الشيطان علمه مما ليس في الكتاب عليك فرضه ولا في سنة النبي صلى الله عليه وآله وأئمة الهدى اثره فكل علمه الى الله سبحانه فان ذلك منتهى حق الله عليك... ۱۵

آنچه خداوند در وصف خود برای تو بیان فرموده بپذیر و نور هدایت قرآن را چراغ راه خود گیر و از آنچه شیطان تو را به دانستن آن وا می دارد و کتاب خدا آن را بر تو واجب نمی شمارد و در سنت رسول خدا و ائمه هدی نیامده است دست بردار و علم او را به خدا واگذار زیرا دستور دین این است درباره تو.

أوصيكم عباد الله بتقوى الله الذي يسكنم الرياش واسبغ عليكم المعاش

اشاره دارد به آیات قرآن کریم که دعوت به رعایت تقوی الهی و شکر نعمتهای بی انتها دارد: واتقوا الله لعلكم تفلحون. (بقره، ۱۸۹/۲) واتقوا الله واعلموا ان الله مع المتقين. (بقره، ۱۹۴/۱) واتقوا الله واعلموا انكم ملاقوه. (بقره، ۲۲۳/۲) ألم تروا أن الله سخر لكم ما في السموات وما في



الأرض واسيغ عليكم نعمه ظاهرة وباطنة... (لقمان، ٢٠/٣١) ولقد وصينا الذين أوتوا الكتاب من قبلكم وإياكم ان اتقوا الله وان تكفروا فان لله ما في السموات وما في الأرض وكان الله غنياً حميداً. (نساء، ١٣١/٤)

فلو أن أحداً يجد إلى البقاء سلماً أو لدفع الموت سبيلاً لكان ذلك سليمان بن داود عليه السلام

آيات زیر شاهد براین فراز از کلام علی عليه السلام است :

ما عندكم ينقد وما عند الله باق . (نحل، ٩٦/١٦) كل من عليها فان . (الرحمن، ٢٦/٥٥) قل فادروا عن أنفسكم الموت إن كنتم صادقين . (آل عمران، ١٦٨/٣) وورث سليمان داود وقال يا أيها الناس علمنا منطق الطير وأوتينا من كل شيء . (نمل، ١٦/٢٧) وحشر لسليمان جنوده من الجن والإنس . (نمل/١٧) حتى إذا أتوا على واد النمل قالت نملة يا أيها النمل ادخلوا مساكنكم . (نمل/١٨) ولسليمان الريح غدوها شهر ورواحها شهر وأسلنا له عين القطر ومن الجن . (سبا، ١٢/٣٤) وسليمان الريح عاصفة تجرى بأمره إلى الأرض التي باركنا فيها... (انباء، ٨١/٢١) ولقد آتينا داود وسليمان علماً وقالوا الحمد لله الذي فضلنا على كثير من عباده المؤمنين . (نمل/١٥) فلما قضينا عليه الموت ما دلهم على موته إلا دابة الأرض... (سبا، ١٢/٣٤)

وان لكم في القرون السالفة لعبرة

اشاره دارد به آیات زیاد از جمله :

لقد كان لكم في قصصهم عبرة لاولى الباب . (سجده، ١٢/١١١) ان في ذلك لعبرة لمن يخشى . (تازعات، ٢٦/٧٩) قد خلت من قبلكم سنن فسيروا في الأرض فانظروا كيف كان عاقبة المكذبين . (آل عمران، ١٣٧/٣)

الذين قتلوا النبيين واطفوا سنن المرسلين واحبوا سنن الجبارين اين الذين ساروا بالجيوش وهزموا بالالوف وعسكروا العساكر ومدنوا المدن

اشاره است به ظالمين وستمگران که در طول تاريخ مانع توسعه مکتب انبياء عليهم السلام بودند و در قرآن کریم آیات زیادی از سرگذشت و نتیجه کارشان آمده است :

ان الذين يكفرون بآيات الله ويقتلون النبيين بغير حق . (آل عمران، ٢١/٣) يريدون ان يطفوا نور الله بأفواههم ويأبى الله الا أن يتم نوره ولو كره الكافرون . (توبه، ٣٢/٩) يريدون ليطفوا نور الله بأفواههم والله متم نوره ولو كره الكافرون . (صف، ٨/٦١) وإذا بطشتم بطشتم جبارين . (شعراء، ١٣٠/٢٦) وجحدوا بها واستيقنتها أنفسهم ظلماً وعلوا فانظر كيف كان عاقبة المفسدين . (نمل، ١٤/٢٧) وتلك عاد جحدوا بآيات ربهم وعصوا رسله واتبعوا أمر كل جبار عنيد . (هود، ٥٩/١١) واستفتحوا وخاب كل جبار عنيد . (ابراهيم، ١٥/١٤) ألم تر كيف فعل ربك بعاد . (فجر، ٦/٨٩)

قد لبس للحكمة جنتها...

امام علیه السلام در این کلام اثر کاربردی حکمت را متذکر شده است که قرآن کریم در آیات زیادی به حکمت اشاره کرده و آن را از فلسفه بعثت انبیاء علیهم السلام دانسته است :

يُوتَى الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا. (بقره، ۲/۲۶۹) يعلمهم الكتب والحكمة... (آل عمران، ۳/۱۶۴) ولقد آتينا لقمان الحكمة... (لقمان، ۳۱/۱۲)

والصق الأرض بجرانه بقیة من بقايا حجته...

اشاره دارد به حاکمیت الهی (تشریحی) بر زمین و...

بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين . (هود، ۱۱/۸۶) وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض... (نور، ۲۴/۵۵) ونريد أن نمن على الذين استضعفوا في الأرض... (قصص، ۲۸/۵)

أيها الناس اني قد بثت لكم المواعظ التي وعظ الانبياء بها...

امام علیه السلام در این کلام نیز روش قرآن را عمل کرده است از جمله :

ووصى بها إبراهيم بنيه ويعقوب يا بني ان الله اصطفى لكم الدين فلا تموتن... (بقره، ۲/۱۳۲) شرع لكم من الدين ما وصى به نوحا والذي أوحينا اليك... (شوری، ۴۲/۱۳) در این خصوص آیاتی که دعوت به موعظه و رشد و استقامت و استمرار مکتب وحی و احیای رسالت توحیدی و... دارد قابل طرح می باشد.

ألا انه قد أدبر من الدنيا ما كان مقبلاً وأدبر منها ما كان مدبراً وازمع الترحال عباد الله الاخيار

اشاره دارد به نشیب و فرازهای دنیا و دگرگونی هایی که در آن بوجود می آید و امام نیز یادی از «عباد الله الصالحين» کرده که متاع فانی دنیا را نپذیرفتند و آنچه توان داشتند برای دنیای باقی بکار بستند. چنین اوصافی در قرآن مکرر آمده است :

وانهم عندنا لمن المصطفين الاخيار . (ص، ۳۸/۴۷) واذكر اسماعيل واليسع وذا الكفل وكل من الاخيار . (ص/۴۸) فلولا كان من القرون من قبلكم اولوا بقية ينهون عن الفساد في الأرض إلا قليلاً ممن انجينا منهم واتبع الذين ظلموا ما اترفوا فيه وكانوا مجرمين . (هود، ۱۱/۱۱۶) والأخرة خير وأبقى . (أعلى، ۸۷/۱۷) قل متاع الدنيا قليل والأخرة خير لمن اتقى ولا تظلمون قليلاً . (نساء، ۴/۷۷) وأما الذين آمنوا وعملوا الصالحات فيوفيههم أجورهم والله لا يحب الظالمين . (آل عمران، ۲/۵۷) ليستخلفنهم في الأرض كما استخلف الذين من قبلهم... (نور، ۲۴/۵۵)

این اخوانی الذين ركبوا الطريق ومضوا على الحق

این قسمت از کلام امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره دارد به ذکر برادران ایمانی که ریشه آن در قرآن کریم است. اصولاً برادری در مکتب اسلام براساس معیارهای ایمانی و اعتقادی و تقوی است.

پیمان اخوت در اسلام در مدینه میان مهاجران و انصار توسط پیامبر اکرم ﷺ بوجود آمد. براساس تفکر قرآن، اخوت واقعی بر پایه اعتقادات ایمانی و دین شکل می گیرد. و در فقه، احکام مربوط به خود دارد و اخوت نسبی نیز احکام خاص خود را بوجود می آورد.

در بخش اخوت که بر پایه دین شکل می گیرد، ویژگی هایی شمرده می شود:

۱. در راه حق بودن و ملازم با حق و تقوی و مشی در راه خدا باشد.

۲. همه معیارها در چارچوب مقررات الهی محاسبه گردد.

۳. احیاگر سنن پیامبر و معصومان باشد.

۴. ناهی از منکر و نابود کننده بدعتها باشد.

۵. مجاهد فی سبیل الله باشد.

۶. همواره به دعوت دین پاسخ مثبت دهد.

۷. پیرو ولایت و مطیع ولی امر باشد.

ویژگی های فوق مکرر در قرآن کریم ذکر شده است و از جمله به آیات ذیل می توان استشهاد کرد:

انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین أخویکم.... (حجرات، ۱۰/۴۹) والی عاد أخاهم هوداً قال یا قوم اعبدوا الله ما لکم من إله غیره. (اعراف، ۶۵/۷) الی مدین أخاهم شعیباً قال یا قوم اعبدوا الله... (اعراف/ ۸۵) ... اولئک الذین صدقوا واولئک هم المتقون. (بقره، ۱۷۷/۲) من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه.... (احزاب، ۲۳/۳۳) وكونوا مع الصادقین. (توبه، ۱۱۹/۹) واذکروا نعمة الله علیکم إذ کنتم اعداء فآلف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته إخوانا.... (آل عمران، ۱۰۳/۳)

۱. علی ﷺ فرموده است: الا ان الذکر الرسول الله ﷺ ونحن اهله ونحن الراسخون فی العلم ونحن منار الهدی واعلام النبی... و. ک: بحار الانوار، ۱۸۴/۲۲، ۱۸۹؛ والراسخون فی العلم آل محمد ﷺ، بحار الانوار، ۱۹۴/۲۲، ۱۹۱، کافی، ۱۸۶/۱، التهذیب، ۱۳۲/۴، توحید صدوق، باب ۲، ح ۱۳؛ نهج البلاغه، خطبه اشباح/ ۹۱، بصائر الدرجات، باب ۷ و ۱۰، ص ۱۹۶ و ۲۰۳ و....
۲. بحار الانوار، ۱۸/ ۲۷۸؛ ۲۵/ ۳۵۱؛ ۳۳/ ۵۱ و ۶۹/ ۱۸۵؛ کافی، ۱۶۸/۱.
۳. حدیث معروف ثقلین که از احادیث متواتر بین فریقین است در اکثر منابع حدیثی شیعه و سنی نقل شده است. و. ک: بحار الانوار، ۱۱۰/۲، کافی، ۲۰۹/۱، ۲۸۷، ۴۱۵/۲.
۴. بحار الانوار، ۲۲۶/۳، ۳۹/۳۹، ۲۰۴/۴۰، ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱۵۲/۹؛ نهج البلاغه، فیض، خ ۱۵۳.
۵. همان، ۲۲۵/۲۲، ۳۹/۳۲، همان، ۱۵۲/۹؛ همان، خ ۱۵۲.
۶. همان، ۲۶۶/۲۶، ۳۷۲/۷۷، ۱۰۴/۷۸؛ همان، ۱۳۷/۹؛ همان، خ ۱۲۷.
۷. اشاره است به آیات: «اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم» (نساء، ۵۹/۴) «وتصیها اذن واعیه» (الحاقه، ۱۲/۶۹) «انما یرید الله لیلجہنکم الی الجحیم» (احزاب، ۳۲/۳۲)
۸. بحار الانوار، ۱۴/ ۴۷۶، ۱۵/ ۳۶۱، ۱۸/ ۲۲۳ و ۳۲۰/۳۸؛ نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ۳۸/۱۳؛ نهج البلاغه، فیض، خ ۱۹۲.
۹. همان، ۱۴/ ۴۷۶؛ ۱۸/ ۲۲۳؛ ۳۷/ ۲۷۰؛ ۳۲/ ۳۸ و ۲۶۴/۶۳؛ همان، ۲۳۸/۱۳؛ همان، خ ۱۹۲.
۱۰. همان، ۳۷/ ۲۷۲؛ ۳۸/ ۲۴۸؛ ۳۹/ ۱۹؛ ۴۱/ ۲۰۲ و ۱۰۶/۱۰۲.
۱۱. همان، ۱۴/ ۴۷۵؛ ۱۵/ ۳۶۱ و ۳۲۰/۳۸؛ همان، ۲۳۸/۱۳؛ همان، خ ۱۹۲.
۱۲. همان، ۷۱/ ۲۹۲؛ همان، ۱۳/ ۲۲۸؛ همان، خ ۲۳۳.
۱۳. همان، ۳۲/ ۲۴۱ و ۹۲/ ۲۳؛ نهج البلاغه؛ فیض، خ ۱۵۶.
۱۴. همان، ۴/ ۳۱۳؛ همان، خ ۱۸۲.
۱۵. نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ۴۰۳/۶؛ فیض، خ ۹۱.

